

ادامه گفت و گو با مهندس محمد غرضی

اخیرا دولت سبید کالایی به مردم داده است. نظر تان در این خصوص چیست؟

من بر همان اساس که یارانه غیر نقدی را غیر توری می دانستم وقتی گفتند که می خواهیم سبید کالا بدهیم خوشحال شدم البته امیدوار مشکلات اداری آن هم حل گردد هر چند ظاهرش خیلی دلگرم کننده نیست. مثلا دولت ناگهان در بازار مقدار زیادی مرغ خریده و بازار به دلیل احتیاج دولت گران فروخته و این مشکلاتی است که برای هر دولتی که بی حساب کاری را شروع کند دچارش می شود. البته همه مشکلات هم گردن دولت نیست و دلایل مختلفی دارد ولی یارانه غیر نقدی غیر توری و ضد تورم است اما یارانه نقدی به سرعت تورم را افزایش می دهد.

پس فکر می کنید ادامه به یارانه نقدی در مرحله دوم هدفمندی می تواند تورم رامهاز کرده و به ۲۵ درصدی که دولت قول داده پرسد؟

همه باید به دولت برای این مساله کمک کنند. دولت جدای از انقلاب و مردم نیست و باید به اهداف انقلاب برسد. البته دولت هایی که پایگاه اجتماعی قوی دارند به سرعت این کار را انجام می دهند اما دولتی که پایگاه اجتماعی ضعیفی دارند لنگ لنگان حرکت می کنند. دولت آقای روحانی هم پایگاه اجتماعی ۵۱ درصدی دارد. یعنی طلبکاران زیادی دارد که باعث می شود کارش در راه رسیدن به هدف سخت گردد.

به آینده برویم. پیش بینی شما از مجلس دهم و ترکیب آن چیست؟

من تمام تلاشم این است که ۵۰ میلیون نفر ایرانی پای صندوقهای رای بیایند و اصلا نگران محصولش نیستم. من دلم می خواهد همه کمک کنند و به هر کسی که می خواهند رای دهند اما اگر ۵۰ میلیون رای دهنده باشد آن وقت آمریکا از خلیج فارس فرار می کند. در این میان اینکه ترکیب مجلس چه باشد زیاد مهم نیست مگر تا الان این همه مجلس آمده و رفته چه شده؟ با شعارهای تند و تیز می آیند و بعد می روند و هر بار ۶۰ درصد مجلس عوض می شود که این برای نظام بسیار بد است که مدام افرادش عوض شوند. هدف باید این باشد که نیش تند خارجی ها کند شود و بقیه مسائل خیلی فرقی ندارد. البته اگر پایگاه اجتماعی مجلس قوی تر از دولت شود بهتر است. یعنی اگر در کنار دولت ۳۷ میلیونی، مجلس ۵۰ میلیونی شکل بگیرد بسیار خوب است.

برای رسیدن به اهداف خوبی که طراحی کردید آیا گوشه چشمی هم به مجلس و حضور در آن دارید؟

من این حرفها را برای انقلاب می زنم و به عنوان یک آدم کف خیابانی فکر می کنم این حرفها مفید است و تا حالا هم کسی ایرادی به سخنان من نگرفته است. اما تا مجلس فاصله زیادی باقی است و چه اهمیتی دارد که چه کسانی وارد مجلس می شوند. **بالاخره شما با این تجربه و نظریات می توانید مهره سودمندی برای مجلس باشید؟**

ما حرفهای خود را از همین رسانه ها تبیین می کنیم و اگر عامه مردم این حرفها را بیسندند و به افرادی که دنبال این حرفها هستند رای دهند برای من شیرین تر از این است که به خود من که گوینده هستم رای دهند.



ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید و با آرزوی سالی خوب و پر بار برای شما

ام و شما به آن دمیده اید.

چرا مهم است، جرقه مهم است. در بنزین ریختن هم همه با هم کمک کردند. حتی جریانات خارج کشوری...

یعنی همه به یک اندازه مقصرند؟

نمی دانم، من که وزن نکرده ام.

قبل از انتخابات سال ۹۰ مجلس شورای اسلامی در جایی گفته بودید که آقای خاتمی در انتخابات شرکت می کند و گفته بودید که این تحلیل که وی رای نخواهد داد غلط است.

ببینید! اصلاح طلبی به معنای این است که در درون حاکمیت باید اصلاحات کنیم. آقای خاتمی هم هرگز نگفته اند که مار هبری نظام و نظام را قبول نداریم، نقد داشته اند اما برای اصلاحات نقد کرده اند. انتخابات مجلس نهم هم پس از رای آقای خاتمی فرصت خوبی برای این بود که به جای خصومت ها نقدهای درون گفتمانی را شاهد باشیم.

فکر نمی کنید لازمه این کار این باشد که مثلا آقای خاتمی که شما می گویدد کلیت نظام را قبول دارد و کنار نظام ایستاده است، تکلیف خود را با طیف های تندرو وابسته به اصلاحات روشن کند؟ مثلا کسانی که خارج از کشور نشسته اند و خط دهی اشتباه و ضد انقلابی می کنند؟

شما باید در عمل ببینید. وقتی آقای خاتمی رای می دهد یعنی مجموعه اش کاملا با آن مجموعه خارج از کشور متفاوت است.

اما در عالم سیاست موضع گیری ها خیلی مهم هستند. آیا نباید موضع گیری شفافتری انجام می شد؟

موضع گیری شفاف این بود که آقای خاتمی رای داد و پس از آن عمده جریان اصلاح طلب هم از آن حمایت کرد.

اما مجموعه های ضد انقلاب خارج نشین هیچگاه طمعشان نسبت به داخل و اصلاح طلبان کم نمی شود. شاید به دلیل همین موضع نگر فتن ها.

من نمی توانم درباره مجموعه ای که به مجموعه اصلاح طلبی داخل کشور ارتباط ندارد حرف بزنم. موضع گیری ما این است که ما جزو این نظام هستیم. امام و رهبری که بر اساس همان ایده شکل گرفته است را همیشه طرفداری کرده ایم. البته نقد داریم و معتقدیم اصولگرایی که ۸ سال کشور را به احمدی نژاد دادند و حالا این طور از او انتقاد می کنند کار بدی می کنند و باید پاسخ گو باشند.

درباره تفاقات ۸۸ هم حرف همین است. وقتی رهبر نظام می گویند تفاقاتی رخ داد که کشور را به لبه پر نگاه برد، انتظار این است که جریان اصلاح طلب که می گوید داخل نظام است و از درون انتقاد می کند، مسیر خودش را نسبت به تندروی هایی که نظام را به لبه پر نگاه برد مشخص کند. آیا این که بگوییم همه مقصرند افکار عمومی را اقناع می کند؟

من فکر می کنم برای حل آن مسائل باید واقع بینی انجام شود. یا همه از هم بگذرند یا همه به اندازه سهمی که داشتند مورد مجازات قرار بگیرند.

الان راهکار شما چیست؟

من آن ماجرا را داخل خانواده می دانم و باید داخل کشور حل شود و نظام باید مینا باشد. البته تندروها نمی گذارند و باید بزرگان هر دو طیف این تندروها را حذف کنند.

پس شما معتقد به این که باید موضع گیری شفاف در این باره بشود نیستید؟

چرا نه، من فکر می کنم به جای این اگر هر دو طرف مواضع خود را تبیین کنند بسیار به هم نزدیک می شوند. مادر این انتخابات فردی را آوردیم که تندرو نبود و همه او را پذیرفتند. پس ما هم توانستیم جلوی تندروهای مان را بگیریم... من معتقدم در انتخابات خواسته های ما منطقی تر شده بود و با توجه به شرایطی که پیش می رفت شرایط سخت تری در انتظار اصلاح طلبان و کشور بود. اگر توقعات مان واقع بینانه باشد در این مقطع زمانی و با وجود مشکلاتی که داشتیم برای جریان اصلاح طلبی انتخاب روحانی اتفاقی بود که اصلاح طلبان می خواستند انجام شود.

با تشکر از وقتی که در اختیار روزنامه خراسان قرار داده اید.



به آقای هاشمی هم می توانستیم بگوییم. اما حرفی زده نشد. حتی تیم آقای هاشمی هم اشتباه داشت. تصور می کردند که وقتی آقای هاشمی آمده دیگر نیاید با دیگران مانند کروی و معین و مهر علیزاده مذاکره کرد. خلاصه همه با هم اشتباه کردند و جامعه حق دار به خاطر آن خطا در سال ۸۴ مارا مواخذه کند. در آن دوره اگر آقای کروی به دور دوم می رفت احتمال رای آوردنش در قابل آقای هاشمی بیشتر بود.

اما بالاخره اگر آقای خاتمی تصمیم می گرفت که صحبت کند، آقای مهر علیزاده یا معین را می توانستید کنار بگذارید. به هر حال این کار نشد.

در فاصله بین ۸۴ تا ۸۸ جریان اصلاح طلب سکوت اختیار کرده بود. آیا برای انتخابات بعدی یعنی سال ۸۸ جلسات برگزار می شد؟ آیا آقای خاتمی متوجه شد که اشتباه استراتژیک شده است یا نه؟

پس از شکست ۸۴ هر کس مشکل را به گردن دیگری می انداخت. نهایتا هم وقتی احمدی نژاد روی کار آمد نقد این جریان در دستور کار بود. حتی از نقد گذشت و تبدیل به نگرانی شد.

در زمستان ۸۷ یادم هست شما مصاحبه کردید و گفتید که آقای خاتمی آمده است که بماند.

بله، خیلی هم اصرار کردیم. حتی مجمع روحانیون مبارز بیانیه داد که وی کنار نکشد. به آقای مهندس موسوی نقدی که داشتیم و من آن را علنی کردم این بود که آقای خاتمی به درد آن موقع کشور می خورد. من در جای دیگری هم گفتم که اگر آقای خاتمی آمده بود و رای می آورد برای همه بهتر بود. آقای خاتمی در طول دوران ۸ ساله ریاست جمهوری خود حتی یک مورد هم با رهبری اختلاف پیدا نکردند. در صورتی که در دوره آقای احمدی نژاد این اتفاق افتاد. حتی اگر در سال ۸۸ آقای خاتمی می آمد و رای نمی آورد باز هم اتفاقاتی که در سال ۸۸ رخ داد، به دلیل روحیه آقای خاتمی رخ نمی داد.

مگر چه تفاوتی دارند؟ شما در جایی اشاره کرده بودید که چند سال دوری میر حسین موسوی از اداره کشور سبب شده است که توهمات برای ایشان ایجاد شود. آن توهمات چه بود مگر؟

من این طور می گویم که اگر آقای خاتمی می آمد، رای می آورد و همه جناح ها را می توانست جمع کند و اگر هم رای نمی آورد آن اتفاقات رخ نمی داد.

تفاوت این روحیات چه بود؟

من شخصا خیلی دوست دارم که حوادث انتخابات وقتی نقد شود که آقای موسوی و آقای کروی رسانه داشته باشند و امکان پاسخ گویی داشته باشند و در این شرایط من صحبت نمی کنم.

بسیار خب. من سوالم را درباره تفاقات سال ۸۸ می پرسم. شما جایی گفته بودید که نمی گوید آن تفاقات بر نامه ریزی شده بود اما معتقدید که آن تفاقات ظرفیت های انقلاب رنگی را فعال کرد. آن ظرفیت ها چه بود؟

زمینه هایی در انتخابات های پیشین درباره صلاحیت ها و وجود داشت که شایعات سال ۸۸ را باور پذیر کرد. طرفین هم در آن سال اشتباهات زیادی داشتند که سوء تفاهم را به انتقام گیری رساند.

در این جور اتفاقات آیا نباید به جرقه اولیه توجه کنیم؟ فرض کنیم من کبریت بزنم و شما بنزین بریزید، من عامل اصلی

من فکر می کنم برای حل آن مسائل باید واقع بینی انجام شود. یا همه از هم بگذرند یا همه به اندازه سهمی که داشتند مورد مجازات قرار بگیرند.

ویژه نامه نوروزی

روزنامه خراسان

فروردین ۱۳۹۳